

عوامل مؤثر بر ازدواج کودکان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۰

محبوبه مینا^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۱

فرزاد کریمی خنجری^۲

چکیده

ازدواج کودکان از جمله پدیده‌هایی می‌باشد که در جوامع مختلف رواج داشته است. سؤالی که در این راستا مطرح می‌شود این است که عوامل مؤثر در پدید آمدن ازدواج کودکان چه مواردی می‌باشند؟ پژوهش‌ها نشان می‌دهد عواملی مثل مرد سالاری، ناامنی و جنگ، به رسمیت شناختن توسط قانون، فرهنگ، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و ... از اهم مسائلی می‌باشند که سبب اصلی ازدواج کودکان‌اند. ازدواج‌هایی که تنها قربانیان آن، کودکان نمی‌باشند و آسیب‌ها و خسارات متعددی به جامعه، خانواده و اقتصاد کشورها در بلند مدت وارد می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر ازدواج کودکان بر شرایط روحی، روانی، اجتماعی و جسمانی کودک تأثیرات منفی بسیاری می‌گذارد. برای جلوگیری و کاهش ازدواج کودکان راهکاری که می‌توان پیشنهاد نمود این است که قانون‌گذار با اعمال نظارت و وضع ضمانت اجرا توأم با فرهنگ سازی از ازدواج کودکان ممانعت به عمل آورد.

در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای به بررسی موضوع عوامل مؤثر بر ازدواج کودکان پرداخته می‌شود.

کلمات کلیدی:

کودک همسری، ازدواج کودکان، حقوق کودکان.

^۱ استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

^۲ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

مقدمه

از آن جایی که عوامل مختلفی از جمله سن ازدواج بر کیفیت تشکیل خانواده موفق اثرگذارند، خانواده‌ها باید توسط افراد توانمند و بالغ تشکیل شوند تا بتوانند وظایف عنوان شده را ایفا کنند و هر گاه طرفین تشکیل دهنده خانواده آمادگی لازم را به دلیل سن کم نداشته باشند ازدواج کودکان اتفاق می‌افتد. از نظر یونسف ازدواج کودکان به هر ازدواج رسمی یا غیررسمی میان یک کودک زیر ۱۸ سال و یک بزرگسال یا یک کودک دیگر اطلاق می‌شود. درحالی‌که ازدواج کودکان در دنیا کاهش یافته است، اما همچنان این پدیده در نقاط مختلف رایج است، کودک همسری معمولاً نتیجه نابرابری جنسیتی است که باعث می‌شود تا دختران به شیوه نامناسبی تحت تأثیر این عمل قرار گیرند، در سطح جهانی شیوع ازدواج کودکان در میان پسران تنها یک ششم این قبیل ازدواج‌ها در میان دختران است (۲۰۱۹، Unicef)؛ ازدواج‌هایی که از هنجارهای سنتی و متعارف برخاسته، و در مناطق شهری و روستایی رواج دارد.

توجه جهانی به این پدیده و تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه موجب شده است میزان ازدواج زودهنگام به طور کلی روند کاهشی پیدا کند، با این وجود درصد چشمگیری از کودکان هنوز در زیر سن قانونی جامعه‌ی خود ازدواج می‌کنند (احمدی، ۱۳۹۸)؛ که به دلیل آثار زیان باری که برای کودکان دارند نیازمند توجه جدی‌تر دولت‌ها و قانون‌گذاران به این مقوله هستیم تا با وضع قوانین مناسب، ازدواج در سنین کم جز در موارد استثنایی و در صورت مصلحت به حداقل ممکن برسد و از این طریق امنیت، آرامش و فرصت پیشرفت برای کودکان به خصوص دختران که ازدواج کودکان در میان آنها بیشتر است، فراهم شود.

این قبیل ازدواج‌ها به دلایل گوناگون اقتصادی، مذهبی، نامنی، فرهنگی و ... به وقوع می‌پیوندند و آثار متعدد منفی را به دنبال دارند. به همین جهت در پژوهش حاضر ابتدا مفهوم ازدواج کودک و سپس تعدادی از مهمترین علل در ازدواج کودکان مورد بررسی قرار می‌گیرد و راه کارهایی برای کاهش ازدواج کودکان که به مثابه نقض حقوق کودکان به ویژه دختران است، ارائه شود.

۱- مفهوم کودک همسری (ازدواج کودکان) و طرح کلی مشکلات آن :

ازدواج زودهنگام که کودک همسری نیز نامیده می‌شود ازدواجی است که یکی از طرفین یا هر دو طرف کمتر از ۱۸ سال سن داشته باشند. کودک همسری زمانی پیش می‌آید که طرفین ازدواج یا یکی از آنها دارای آمادگی جسمی و روحی برای ازدواج نداشته باشند (مقدادی و جواد پور، ۱۳۹۶، ص ۳۹). کودک همسری یکی از چالش‌های بین‌المللی در زمینه حقوق کودکان مخصوصاً دختران است. تعیین

محدوده و تعریف کودکی، دلایل شکل‌گیری و مداوم بودن این کار، پیامدهایی برای کودکان و جامعه به دنبال دارد، بررسی عوامل مختلف، برای مشخص کردن علت اصلی ادامه داشتن ازدواج کودکان در جهان، برای درک درست این مسأله و شناخت تمام بعدهای آن ضروری است (مددی، ۱۳۹۸، ص ۲۰). هر چند کشورهای مختلف تلاش‌هایی برای مقابله با ازدواج کودکان انجام داده‌اند، اما به نظر می‌رسد با شیوع ویروس کرونا اقداماتی که برای مقابله با کودک همسری شده است دچار چالش‌هایی خواهد شد؛ به این معنا که در آینده کودکان بیشتری در معرض ازدواج زودهنگام و کودک همسری قرار خواهند گرفت.

یکی از مواردی که در امر ازدواج ابعاد بسیار گسترده‌ای دارد، پاسخ به نیازهای جنسی و روانی بوده و تعیین فاکتور بلوغ جنسی، صرف نظر از مجادلاتی که درباره تعیین سن بلوغ وجود دارد، تنها عامل به نظر نمی‌رسد. باید توجه داشت در پیمان زناشویی که قرارداد حیاتی و بزرگی می‌باشد، وجود مواردی مانند: حق انتخاب، آزادی، یادگیری، آگاهی، درک مفهوم و آثار و نتایج این قرارداد و بسیاری بایدها و نبایدهای دیگر ضرورت داشته؛ و این موارد لزوماً با بلوغ جنسی همراه نیست، به همین دلیل، توجه قانون‌گذاران و حمایت حقوقی از کودکان ضرورت و اهمیت می‌یابد.

از نظر قانونی، کودک همسری با مشکلات زیادی همراه است، مشکلاتی مانند: جلوگیری از حق تحصیل کودک، جدایی کودک از والدین و خانواده، تعهد کودک پسر به پرداخت نفقه و به دنبال آن تعهد به اشتغال و کسب درآمد؛ و نیز تعهد کودک دختر به خانه داری و بارداری، عدم پشتیبانی و حمایت از کودک همسران ناشی از نبود دانش کافی، امکان خطرات و تهدیدات خشونت خانگی، نداشتن توان و اهلیت قانونی آنان برای طرح دعوی مختلف احتمالی ناشی از زوجیت از جمله: دعوی نفقه و مهریه، ضرب و جرح و توهین، طلاق، گرفتن شناسنامه فرزند، مطالبه سهم الارث خود یا فرزند، درخواست سرپرستی فرزند و... همچنین کودک همسران از لحاظ غیر حقوقی اعم از اجتماعی، پزشکی، روانشناسی و... نیز با آسیب‌های بسیاری مواجه هستند. آسیب‌هایی که با توجه به دیدگاه‌های کارشناسان، برخی از آنها به این شرح است: فاصله گرفتن دختر خردسال از دنیای کودکی‌اش و دوستان هم بازی خود، افزایش زایمان‌های مشکل ساز و یا عدم توانایی جسمی و فیزیکی کودک برای بارداری، تولد نوزادان کم توان جسمی و یا دارای سوء تغذیه، سقط جنین، مشکلات تربیت و نگهداری از کودکان، پدیدار شدن و یا به وجود آمدن طلاق‌های زودرس و افزایش کودک بیوه‌ها، نبود اطلاعات در مورد تنظیم خانواده و مسائل مرتبط با بهداشت باروری، به وجود آمدن مشکلات روانی از جمله افسردگی، اختلالات پانیک و به وجود آمدن وسواس، اضطراب، نبود بلوغ فکری و ایجاد مشکلاتی در رسیدن کودک به استقلال شخصی، از دست دادن قدرت برقراری روابط اجتماعی و تعامل با افراد هم سن و نبود فعالیت‌های اجتماعی، رشد

جنسی به صورت ناقص و ایجاد مشکلاتی در رشد اجتماعی و روانی و منزوی شدن از اجتماع و در نتیجه آسیب‌پذیری در مقابل آن و... (حسینی پویا، ۱۳۹۷، صص ۱۳-۱۴)؛ هر کدام از این موارد اثر

زیان باری بر زندگی کودکان در آینده خواهد داشت و کودک همسران را با بحران‌های متعددی مواجه می‌کند.

۲- برخی از مهمترین علل‌های ازدواج زودهنگام

۲-۱- مرد سالاری

مطابق نظریه اریکسون بعد از مرحله نوجوانی دوره‌ی اول بزرگسالی مربوط به تعلق در برابر انزوا است، بنابراین زنان بعد از ازدواج زودهنگام به انزوا دچار می‌شوند، به دلیل این که مرحله کودکی و نوجوانی بطور کامل سپری نشده است و فرد پایگاه‌های اجتماعی خود را از دست داده و در خانه محصور شده و در خطر انزوا قرار می‌گیرد؛ همچنین دخترانی که ازدواج زودهنگام را تجربه کرده‌اند، از زمانی که در خانواده پدری هستند یاد می‌گیرند که فاقد حق انتخاب‌اند؛ زیرا تصمیم‌گیری و حق انتخابی در ازدواج تجربه نکرده‌اند، نتیجه این مورد و عدم آگاهی آنها و خشونت همسرانشان این است که کودک فاقد هویت و استقلال می‌شود و حتی با گذشت زمان و افزایش سن زن، مناسبات قدرت در خانواده تغییر نمی‌کنند و همانند ابتدای ازدواج، کودک همسران فاقد قدرت در خانواده هستند، به عبارتی کودک همسران بعد از ازدواج نیز سربراه بودن و اطاعت کردن از مردان را مجدداً تمرین می‌کنند و در وجودشان تثبیت می‌شود؛ بنابراین در جامعه‌های مردسالار، به‌دنبال ترویج و گسترش ازدواج‌های زودهنگام هستند تا پذیرش مردسالاری از همان ابتدای دوران کودکی در وجود زنان ایجاد شود (افتخارزاده، ۱۳۹۴، صص ۱۵۱-۱۵۲).

برای مثال نیجریه با ۷۶ درصد، آفریقای مرکزی ۶۸ درصد، بنگلادش ۵۹ درصد، مالی ۵۴ درصد، بورکینافاسو ۵۲ درصد، نیجریه ۴۳ درصد، مالاوی ۴۲ درصد، ماداگاسکار ۴۰ درصد، بیشترین آمار ازدواج زیر سن ۱۸ سال را دارند (ChildMarriage Atlas, ۲۰۱۹).^۳ با بررسی تعداد قانون‌گذاران زن و مرد در این کشورها متوجه رابطه معناداری بدین ترتیب می‌شویم که درصد زنان قانون‌گذار در این کشورها به میزان قابل توجهی از قانون‌گذاران مرد کمتر می‌باشد. به نحوی که میزان قانون‌گذاران زن در نیجر ۲۵ درصد، آفریقای مرکزی ۱۲ درصد، بنگلادش ۲۰ درصد، مالی ۲۶ درصد، بورکینافاسو ۶ درصد، نیجریه ۳ درصد، مالاوی ۲۲ درصد، ماداگاسکار ۱۸ درصد از کل نمایندگان می‌باشد که همین موضوع باعث عدم ممنوعیت ازدواج کودکان شده‌است. (اتحادیه بین‌المجالس).^۴

۲-۲- نا امنی و جنگ‌ها

^۳ این اطلس آمار ازدواج کودکان را در سراسر جهان هر دو سال یک بار محاسبه کرده و منتشر می‌کند.

^۴ اتحادیه بین‌المجالس (Inter-parliamentary Union (IPU)) یک مؤسسه بین‌پارلمانی است که در سال ۱۸۸۹ تأسیس شده است.

بیش از ۲۵۰ هزار سوری‌ای در طول درگیری‌های مسلحانه جان خود را از دست دادند، درگیری‌هایی که با اعتراضات علیه حکومت شروع شد و بعد به یک جنگ مدنی بزرگ مقیاس انجامید، میلیون‌ها نفر مجبور شدند که به عنوان نیروهای وفادار به بشار اسد، با مخالفان حکومت او و نظامی‌گران جهادی دولت اسلامی بجنگند درگیری در این کشمکش‌ها رواج کودک همسری را در مناطقی که جنگ تبدیل به تهدیدی روز افزون برای دختران شده (مانند سوریه، جوامع پناهنده اردن، لبنان، عراق و مصر) تقویت نموده است (احمدی، ۱۳۹۸، صص ۷۲-۷۳). مطالعات جدید نشان می‌دهد که ازدواج کودکان در میان پناهندگان سوری‌ای در حال افزایش است، نظرسنجی‌های انجام شده توسط سازمان ملل متحد و دانشگاه آمریکایی بیروت ساوا نشان می‌دهد که بیش از یک سوم از دختران پناهنده سوری که بین ۱۵ تا ۱۷ سال سن دارند، ازدواج کرده‌اند، این در حالی است که قبل از شروع درگیری‌های ویرانگر در سوریه ازدواج کودکان به میزان قابل توجهی در میان سوری‌ها کمتر بود، به نحوی که نرخ ازدواج کودکان در میان پناهندگان سوری امروز، چهار برابر بیشتر از قبل بحران است و این موضوع نشان می‌دهد که آوارگی، بی‌ثباتی و تحولات سیاسی باعث افزایش ازدواج در سنین پایین می‌شود (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۷).

سوریه مثالی از چگونگی تأثیر جنگ، ناآرامی و تحولات سیاسی بر ازدواج زود هنگام کودکان است، در واقع این خانواده‌های سوری برای رهایی از مشکلات حادث شده بر اثر جنگ و برای کاهش هزینه‌های اقتصادی خانواده و حفاظت از دختران خردسال خود، آنها را به ازدواج مردان با اختلاف سنی زیاد در می‌آورند که این موضوع بیانگر افزایش کودک همسری در شرایط بحرانی و تحولات داخلی کشورها است.

۲-۳- مسائل قانونی

قانون نیز از جمله عوامل مؤثر بر ازدواج کودکان می‌باشد، بدین ترتیب که قانون با عدم ممنوعیت و عدم تعیین مجازات برای اشخاصی که اقدام به ازدواج با کودکان می‌کنند، عملاً باعث گسترش این قبیل ازدواج‌ها در جامعه می‌شود. این در حالی است که قانون‌گذاران می‌توانند با مطالعه و بررسی کارشناسانه سن ازدواج را تعیین کنند و ضمانت اجرای لازم را برای جلوگیری از نقض آن پیش‌بینی نمایند. اولین بار در ایران ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۱۳ بیان کرد که «نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است، معذک در مواردی که مصالحی اقتضاء کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه، ممکن است استثناء معافیت از شرط سن اعطا شود. ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند». هر چند در این ماده حداقل سن قانونی برای ازدواج تعیین شده اما همین ماده امکان عدول از آن را نیز پیش‌بینی کرده به همین جهت نتوانست مانع ازدواج‌های کودکان شود. بنابراین قانون‌گذار در سال ۱۳۵۳ قانون حمایت خانواده را تصویب کرد، که ماده ۲۳ قانون مذکور چنین بیان می‌کند: «ازدواج زن قبل از

رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام ممنوع است معذک در مواردی که مصالحی اقتضاء کند استثنائاً در مورد زنی که سن او از ۱۵ سال تمام کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است معافیت از شرط سن اعطاء شود. زن یا مردی که بر خلاف مقررات این ماده با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده مزاجت کند حسب مورد به مجازات های مقرر در ماده ۳ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ محکوم خواهد شد.^۵ اما بعد از سال ۱۳۵۷ این قوانین دستخوش تغییر شدند و ماده ۱۰۴۱ بدین ترتیب تغییر کرد «عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی‌علیه صحیح می باشد». بعد از آن در سال ۱۳۸۱ این ماده اصلاح شد و مطابق ماده جدید: نکاح دختر و پسر پیش از رسیدن به سن ۱۳ و ۱۵ سال تمام شمسی با اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه ممکن شد.

بنابراین قانون فعلی ایران ازدواج کودکان را به شرط مصلحت مجاز اعلام کرده است که نتیجه آن آمار قابل توجه ازدواج کودکان در ایران می باشد.^۶ با توجه به مطالب ابراز شده قانون گذاران می توانند قانون را به نحوی تغییر دهند که ازدواج کودکان بویژه دختران به حداقل ممکن برسد. برای مثال می توان ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی را بدین ترتیب تغییر داد که: نکاح دختران و پسران به ترتیب پیش از رسیدن به سن ۱۸ سال ممنوع است، در مواردی که مصلحت اقتضا کند با اذن دادگاه ممکن است استثنائاً معافیت از شرط سن اعطا شود، مشروط بر آنکه سن دختر و پسر کمتر از ۱۶ سال نباشد. این موارد استثناء نیز باید به نحو محصور شده تعیین شود تا با تفسیرهای گوناگون دامنه‌ی آن گسترده نشود.

۴-۲- اعتقادات دینی

ادیان در مورد ازدواج نظر می دهند و نقش مهمی در این امر دارند، با قدرتی که دین در کنترل اذهان جامعه دارد، نقش زیادی در شکل دادن هنجارها و فرهنگ دارد و برای مردمی که آن را مورد توجه قرار داده و وارد تصمیمات زندگی خودشان می کنند بسیار مهم است، در بسیاری از جوامع مردم نیازهایی دارند که دین در تامین این نیازها از طریق قوانین و اصول خود نقش دارد، البته باید توجه داشت که این اصول و قوانین دینی چندان به استقلال شخصی یا فردی افراد توجهی نمی کنند، حتی

^۵ ماده ۳ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ « ماده ۳ - هر کس برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است مزاجت کند به شش ماه الی دوسال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد و در صورتی که دختر به سن سیزده سال تمام نرسیده باشد لااقل به دو الی سه سال حبس تأدیبی محکوم می شود و در هر دو مورد ممکن است علاوه بر مجازات حبس به جزای نقدی از دو هزار ریال الی بیست هزار ریال محکوم گردد. و اگر در اثر ازدواج برخلاف مقررات فوق واقعه منتهی به نقص یکی از اعضاء یا مرض دائم زن گردد مجازات زوج از پنج الی ده سال حبس با اعمال شاقه است. و اگر منتهی به فوت زن شود مجازات زوج حبس دائم با اعمال شاقه است. عاقد و خواستگار و سایر اشخاصی که شرکت در جرم داشته اند نیز به همان مجازات یا به مجازاتی که برای معاون جرم مقرر است محکوم می شوند».

^۶ طبق آمار منتشره توسط سازمان ثبت احوال در زمستان ۱۳۹۹ تعداد ۷۵۸۲ ازدواج دختر کمتر از ۱۴ سال ثبت شده است که این تنها آمار ازدواج های رسمی می باشد و ازدواج های غیررسمی و مذهبی آمار بیشتری دارند.

قدرت دین به جایی رسیده است که در مورد نقش والدین در امورات فرزندانشان نیز تأثیر گذاشته و به نوعی والدین، خود را مالک فرزندانشان می‌دانند (احمدی، ۱۳۹۸، صص ۸۸-۸۹). بنابراین مذهب منشاء ایجاد و تداوم ازدواج کودکان است که به توجیه آن نیز می‌پردازد، مذهب می‌تواند از علل ازدواج کودکان باشد؛ چرا که بسیاری از والدین تزویج فرزندان را تعهدی مذهبی می‌دانند که این تعهد توسط قوانین و عرف های مذهبی و رهبران مذهبی ایجاد و یا تلقین شده است. برای مثال، در مذهب حنبلی چنانچه کودک به بلوغ نرسیده باشد، پدر او می‌تواند پیشنهاد ازدواج از طرف شخص دیگر را از طرف او قبول کند، بدین ترتیب دختر بعد از رسیدن به سن بلوغ می‌تواند ازدواج با او را نپذیرد و تا زمان بلوغ در کنار خانواده خود زندگی خواهد کرد؛ در صورت نپذیرفتن ازدواج توسط دختر بالغ، طلاق جاری خواهد شد؛ البته چنین امری دیگر جایگاهی در اجتماع ندارد و مشخص است که چنین مسأله‌ای می‌تواند خانواده را تحت فشار قرار داده و دختر را که انتظار می‌رود در سطح جامعه از خانواده خود تبعیت کند، در صورت استنکاف از این امر در شرایط دشوار و بغرنجی قرار خواهد گرفت (پیشین، ص ۱۲۵)؛ همچنین در نزد فقهای امامیه قبول ولایت بر کودکان امری مشخص است؛ بدین معنا که ولایت جد پدری بر ولایت پدر برتری داشته و اگر پدر و جد پدری هر یک مردی را به عنوان شوهر برای صغیره در نظر گرفتند در این مورد نظر جد پدری مقدم است (مرتضی شریف، ۱۴۱۵ق، صص ۲۸۷-۲۸۶).^۷ قابل ذکر است که این ولایت مطلق نیست و باید نه تنها ازدواج به ضرر کودک نباشد، بلکه به نفع و مصلحت او باشد، تا حدی که اگر مصلحت کودک رعایت نشود، کوک پس از بلوغ می‌تواند نکاح را فسخ کند هر چند برخی معتقدند هر گاه ولی، دختر صغیر را شوهر دهد این ازدواج صحیح است و دختر بعد از رسیدن به سن بلوغ نمی‌تواند آن را فسخ کند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۱۰).^۸ روایات متعددی نیز در مذهب تشیع اذن تزویج کودکان را داده اند که برای نمونه به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

الف: عبدالله ابن صلت گفته است: در مورد دختری که ولی‌اش او را مزدوج کرده از امام صادق(ع) سوال کردم، آیا دختر بعد از رسیدن به سن بلوغ مختار در فسخ ازدواج هست؟ امام فرمودند: خیر، چنین اختیاری نخواهد داشت (حر عاملی، ج ۲۰، ص ۲۷۶).^۹ عدم خیار در روایات را باید بر مواردی حمل کرد که نکاح نه تنها ضرری را دفع کرده بلکه مصلحتی برای کودک نداشته است.

ب: امام باقر می‌فرمایند دختر در سن ۹ سالگی بالغ است و می‌تواند ازدواج کند و حدود عمومی بر او جاری می‌شود (همان، ج ۱، ص ۴۳).^{۱۰}

^۷ «و مما انفردت به الامامیه: ان لولایه الجد قبل الاب علی الصغیره رجحاناً علی ولایه الاب علیها و اذا حضر اب و جد فاختر کل واحد منهما رجلاً لنکاحها کان اختیار الجد المقدم علی اختیار الاب»

^۸ «و ان نکرت عقده و لم ترض به لم یکن للاب اکراهها علی النکاح»

^۹ عن عبدالله بن الصلت قال : سألت (أبا عبدالله) عليه السلام عن الجارية الصغیره یزوجها أبوها ، لها أمر إذا بلغت؟ قال : لا لیس لها مع أبيها أمر

^{۱۰} «لجاریه اذا بلغت تسع سنین ذهب عنها الیتیم و زوجته واقیمت علیها الحدود التامه علیها و لها»

ج: روایتی از امام صادق(ع) موجود است که امام علی(ع) فرمودند: روابط خاص زناشویی با دختر زیر ۹ سال اگر موجب آسیب به او شود، ضمان را به همراه دارد (شیخ الطائفه، ج ۱۰، ص ۲۳۴).^{۱۱} روایات بیان شده آشکارا اجازه‌ی ازدواج کودکان را داده‌اند. بنابراین شرع و فقه برای ازدواج کودکان، محدودیت سنی تعیین نکرده‌اند و صرفاً آمیزش جنسی را مشروط به رسیدن کودک به سن ۹ سالگی می‌دانند و ازدواج کودکان را پذیرفته‌اند.

بنابراین باورهای دینی و مذهبی از عوامل ازدواج کودکان می‌باشد، در حالی که این روایات مربوط به قریب به ۱۴۰۰ سال پیش و جامعه آن زمان می‌باشد. از طرفی «پیامبر اسلام(ص) خود متذکر شده است که پیامبران با مردم، به اندازه عقل ایشان سخن می‌گویند»، به همین دلیل عدم آمادگی انسان‌ها در زمان پیامبر و ائمه سبب مسکوت گذاشتن بعضی مسائل از جمله این موضوع بوده است (نوبهار، ۱۳۹۵، ص ۱). همانطور که مشخص است جوامع و مردم روز به روز در زمینه‌های مختلفی چون فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... در حال پیشرفت هستند و این پویایی، پویایی احکام را نیز می‌طلبد. در نتیجه احکامی که باتوجه به شرایط خاصی مثل شرایط فرهنگی و جغرافیایی مقرر می‌شوند، قابل تعمیم به دوره‌ها و جوامع دیگر نیستند. از این مبحث می‌توانیم نتیجه بگیریم که ممنوع نکردن ازدواج در سن پایین می‌تواند به دلیل عدم آمادگی فکری مردم در صدر اسلام باشد اما دلیلی برای ادامه تزویج کودکان در زمان حاضر وجود ندارد. به ویژه آنکه در قرآن کریم دلیلی بر تزویج کودکان یافت نمی‌شود.

۲-۵- عامل اقتصادی

در سال‌های اخیر در ایران برای تصمیم‌گیری به منظور تشکیل خانواده، عوامل اقتصادی و فقر تأثیر زیاد و نقش اساسی در سن ازدواج داشته‌اند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۸۸). این ازدواج‌ها در ایران به دلیل سطح اقتصادی پایین خانواده‌ها می‌باشد، این خانواده‌ها از طرفی ازدواج زود هنگام دختران را راهی برای بهتر شدن شرایط اقتصادی خویش می‌بینند تا از هزینه‌های خانواده کاسته شود و از طرف دیگری دریافت مهریه و شیربها نیز انگیزه مالی والدین را برای تزویج کودکان افزایش می‌دهد؛ در برخی مناطق دختران کم سن بیشتر مورد توجه بوده و مهریه بسیار بالاتری دارند، به همین دلیل رویه‌ای به نام خرید سن به وجود آمده که با پرداخت مبالغی، گواهی رشد را در سنین پایین‌تر خریداری می‌نمایند، در بعضی از مناطق حتی نوزادها در مقابل مبالغ اندک به اصطلاح «نافبر» می‌شوند (احمدی، ۱۳۹۸، صص ۳۰۴-۳۰۶). آن‌گونه که شرح دادیم یکی از مهمترین دلایل ازدواج کودکان فقر می‌باشد. فقر باعث می‌شود تا خانواده‌ها با تزویج کودکانشان منفعت مالی از قبیل شیربها بدست بیاورند و به عبارتی کودکان خود را به فروش برسانند. در حالی که ممکن است ازدواج کودکان بار اقتصادی از دوش خانواده بردارد، اما نباید فراموش کرد که بازنده اصلی کودکانی هستند که دوران کودکی‌شان تباه شده است و قربانی فقر و مشکلات اقتصادی خانواده‌های خود شدند. به همین جهت

^{۱۱} «من و طویء امرأه من قبل ان یتم لها تسع سنین فأعنف ضمن»

دولت باید از خانواده های کمتر برخوردار، حمایت اقتصادی کند تا فقر که از مهمترین عوامل کودک همسری است، کاهش یابد. و از این طریق مانع خسارات اقتصادی در سطح کلان، ناشی از بارداری های زود هنگام شوند.

ازدواج زود هنگام از طریق افزایش باروری و به تبع آن افزایش جمعیت، خسارات اقتصادی زیادی را بر دولت های در حال توسعه تحمیل می کند، چون که در این ازدواج ها دختران زودتر باردار می شوند و در طول عمر خود فرزندان بیشتری به دنیا می آورند و این موضوع باعث کاهش توانایی خانواده ها در تأمین نیازهای اساسی خود می شود و از این طریق فقر در جامعه گسترش می یابد؛ بنابراین پایان دادن به ازدواج کودکان باعث کاهش رشد جمعیت می شود و همین موضوع افزایش رفاه را به همراه خواهد داشت؛ پژوهش انجام شده توسط بانک جهانی و مرکز بین المللی تحقیقات زنان که مورد حمایت بنیاد بیل گیتس بوده است، نشان می دهد که تا سال ۲۰۳۰ انتظار می رود ازدواج کودکان معادل تریلیون ها دلار برای کشورهای در حال توسعه هزینه ایجاد کند. ازدواج کودکان نه تنها یک مسأله اجتماعی است که پیامدهای چشمگیری برای کودک همسر و فرزندان او دارد؛ بلکه یک موضوع اقتصادی است که بر توانایی کشورها برای رشد اقتصادی و کاهش فقر تأثیر می گذارد (Quentin, 2017). همان گونه که بررسی شد، ازدواج کودکان باعث گسترش فقر در کشورهای در حال توسعه می شود این فقر و تنگ دستی مجدداً بر زندگی کودکان اثر می گذارد و منجر به ازدواج زود هنگام آنها می شود و این موضوع باعث ایجاد چرخه ای معیوب در جامعه می گردد چرخه ای که نتیجه اش نقض بیشتر حقوق اشخاص است.

۲-۶- عامل اجتماعی

مطابق آمارهای منتشره توسط ثبت احوال شمار قابل توجهی از ازدواج های زیر سن ۱۸ سال مربوط به دختران می باشد؛ از عوامل سهمیم در ازدواج دختران، نگرش های جنسیتی تبعیض آمیزی است که روابط جنسی پیش از ازدواج را برای دختران مذموم تر دانسته و تمکین، فرزندآوری و کار در خانه را وظیفه زن می داند، به دلیل همین نگرش ها، تقریباً تمامی کودکان دختر در همان سال اول ازدواج صاحب فرزند می شوند؛ همچنین در این ازدواج ها بیش از ۵۰ درصد از زنان مهارتی غیر از خانه داری نداشته اند (مددی، پیشین، ص ۸۵). یکی از دلایل نگرش های جنسیتی که جوامع را با مشکلات متعددی روبرو می کند، از دست دادن اعتماد و افزایش دورویی میان اشخاص در جامعه است، این موضوع منجر به افزایش انواع انحرافات اخلاقی و گسترش آنها به نهاد خانواده می شود و اساساً زندگی را دچار شک و تردید می کند (گیدنز، ۱۳۹۸، ص ۲۴۱). به همین دلیل مردان برای رهایی از انحرافات اخلاقی همسرشان به ازدواج با کودکان تمایل پیدا می کنند. بنابراین از راه کارهای مبارزه با این پدیده آموزش و فرهنگ سازی در نقاط مختلف ایران و آگاهی رسانی به افراد و خانواده ها است.

از طرفی فرآیند تجددگرایی در جوامع بشری بی تردید ارزش ها و هنجارهایی جدید را از طریق ابزارها و عواملی همچون شهرنشینی، رسانه ها و... بر جوامع بشری تحمیل می کند، از آنجایی که ورود هر

عنصر جدید به یک سیستم، کارکرد سیستم را دچار اختلال می‌کند و در این میان ورود جریان تجدیدگرایی به ساختار اجتماعی جامعه ایرانی و بالطبع ساختار اجتماعی خانواده ایرانی، باعث ایجاد تغییراتی شده است که اگر برآیند کنش متقابل انسان‌ها را سرمایه اجتماعی بنامیم، بی‌تردید نقشی بس مؤثر در تغییر و یا تضعیف و فرسایش سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی و به دنبالش خانواده را به وجود آورده است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۴). با توجه به تحولات گفته شده در جامعه ایران، ازدواج مرحله‌ای انتقالی را سپری می‌کند که ویژگی‌های آن دچار تغییر شده است (هیول، ۱۳۸۸، ص ۱۵۲). این تغییر و تحول در خانواده ایرانی متأسفانه نتوانسته است تا مانع پدیده کودک همسری شود و هنوز در سطح جامعه شاهد وقوع ازدواج‌های زیر سن قانونی و حتی کمتر از سن ۱۴ سال می‌باشیم.

همان‌طور که گفته شد با ازدواج زود هنگام، زنان فرصت بیشتری دارند تا در طول عمر خود فرزندان بیشتری را به دنیا بیاورند و این موضوع شاید بتوان گفت برای دولت‌هایی که در حال افزایش میانگین سنی جمعیت هستند، حائز اهمیت است و با ممنوع نکردن ازدواج کودکان امیدوار به افزایش جمعیت کشور خود هستند. اما از این موضوع غافل‌اند که افزایش جمعیت غیرمتخصص تبعات اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و را برای آنها به دنبال دارد.

۲-۷- تأثیر قومیت

قومیت را باید چنین تعریف نمود که همه اعضای آن دارای اشتراکاتی در بین خود می‌باشند که این اشتراکات آنها را به خود جذب می‌کند از جمله از نظر اصل و نسب، نژاد، نیاکان، زبان و ، علاوه بر آن این اشتراکات شامل موضوعات فرهنگی، رفتاری و مذهبی نیز می‌شود که از نسل‌های قبل به ارث رسیده و یا بر اساس دلایل و عوامل دیگری به وجود آمده و به صورت فرهنگ در بین آنها بروز و آشکار شده است، پس باید توجه نمود که این قومیت‌ها، جامعه را شکل می‌دهند؛ جوامع فئودالی خون را ملاک اشتراکات خود قرار می‌دهند و از این نظر دارای سرزمین، فرهنگ و زبان مشترک می‌شوند ولی این اشتراکات ثابت و پایدار نیستند از جمله در زمینه اقتصادی؛ همین مسأله نیز موجبات اختلاف بین آنها می‌شود (آشوری، ۱۳۸۹، ص ۱۷۶).

تأکید بیش از اندازه اقوام بر باکرگی و عفت زنان و نیاز جامعه به کنترل میل جنسی آنها از علل اصلی ازدواج زود هنگام کودکان به شمار می‌رود. میل جنسی کودکان مؤنث نه تنها به اعتبار و افتخار خانواده، بلکه به آبروی طایفه، طبقه و نژاد و گروه قومی نیز ارتباط پیدا می‌کند، رسم ازدواج زود هنگام کودکان دختر که متضمن کنترل بر میل جنسی آنها است، در طول نسل‌ها تداوم یافته و از یک خانواده مرد سالار به خانواده دیگر به ارث رسیده است (احمدی، ۱۳۹۸، ص ۲۷). بنابراین اقوام برای حفظ باکرگی دختران خود اقدام به تزویج کودکان در سنین پایین می‌کنند تا بدین ترتیب از عفت و شرافت قوم و قبیله خویش محافظت کنند. باورهای اشتباهی که نتیجه آنها چیزی جز سیاهی و تباهی زندگی کودکان در پی نخواهد داشت.

این جوامع و اقوام برای جلوگیری از تعامل و معاشرت دختران و پسران با یکدیگر اجازه تحصیل به دختران را نمی‌دهند، در چنین جوامعی دختران وجهه‌ای از نمایش کنترل خود و احترام به مردانند که در تمامی طول عمر از جمله در زندگی زناشویی از آنها انتظار می‌رود به این شکل عمل کنند، در جوامع مرد سالارانه و مدافع کودک همسری که متأثر از افتخارات قومی و نژادی می‌باشد، نقش‌های سنتی خاصی به زنان اختصاص یافته که از طریق ازدواج زود هنگام، اکتساب این نقش‌ها تسهیل شده و نقش‌های جنسیتی تجویز شده تقویت می‌گردند؛ بنابراین، جامعه فشار بیشتری به اعضای خود جهت منسوخ نکردن کودک همسری می‌آورد (همان، ص ۱۰۹). حال که تأثیر قومیت بر ازدواج کودکان را مورد واکاوی قرار گرفت به بررسی اقوام در ایران می‌پردازیم.

ایران در طول قرن‌های گذشته جایگاه قبایل و اقوام متفاوتی بوده است که در کنار هم زندگی می‌کردند قبایل و گروه‌هایی از قبیل قبایل پارسی در قرن ششم، مادها در قرن هفتم و هشتم، در قرن هفتم نیز اعراب، در قرن یازدهم قبایل ترک و در قرن سیزدهم مغول‌ها به ایران هجوم آورده و در ایران ساکن شدند، همین موضوع باعث تشکیل شدن ایران از قومیت‌ها و گروه‌های مختلف شده است (و. ایی ساوانا، ۱۳۸۰، صص ۱۶۶-۱۶۵)؛ همین موضوع باعث تفاوت فرهنگ و سنت ازدواج در میان ساکنان ایران شده است.

یکی از این اقوام عرب‌ها هستند که در خوزستان ساکن‌اند، در میان اعراب خوزستان سن ازدواج معمولاً پایین است، که بعضی دلیل آن را وضعیت فیزیکی دختران عرب و آمادگی برای ازدواج در سن پایین می‌دانند، در میان اعراب در گذشته ازدواج معمولاً توسط ریش سفیدان و بزرگان اتفاق می‌افتاد و دختر و پسر نقشی در آن نداشتند زیرا در میان این قبایل ازدواج به شکل اجباری یا ناف بریده رواج داشته است، به عبارتی ازدواج‌ها به صورت هم خون که مایه پاکی و عامل نگهدارنده اصالت می‌دانستند اتفاق می‌افتاد، که عموماً به صورت ازدواج دخترعمو با پسرعمو رواج داشت، امروزه تغییراتی در مرحله انتخاب همسر روی داده است ولی هنوز بعضی سنت‌های اعراب باقی مانده که باعث ازدواج‌های زود هنگام می‌شود (انواری، ۱۳۸۸، صص ۴۰-۴۲).

یکی دیگر از این اقوام، لرها می‌باشند که هنوز ازدواج کودکان در میانشان مشاهده می‌شود، بزرگان این قوم معتقد بودند که سن ازدواج برای دختران سن بلوغ (۹ سالگی) است و دختری که حداکثر تا سن ۱۵ سالگی ازدواج نمی‌کرد مورد ملامت قرار می‌گرفتند. در میان این قوم، فرهنگی به نام ناف بران مرسوم است، بدین شکل که با متولد شدن نوزاد دختر ناف او را به نام پسری مشخص می‌بریدند و در آینده آن دختر باید به محض رسیدن به سن بلوغ با همان پسر ازدواج می‌کرد. البته دیدگاه‌هایی شبیه آنچه آوردیم بسیار کاهش یافته ولی با این وجود، هنوز در ایران سالانه هزاران کودک، عروس می‌شوند. این مسائل نشان می‌دهد که قومیت و فرهنگ حاکم بر آن تا چه میزان بر ذهنیت افراد تأثیرگذار می‌باشد. چه بسیار دخترانی که شاید استعدادهایی داشته‌اند ولی با تفکراتی از این قبیل راهی

خانه شوهر شده‌اند بدون آنکه درکی از شرایط داشته باشند. لذا فرهنگ سازی در میان اقوام می‌تواند این پدیده را کمتر کند.

۸-۲- تأثیر فرهنگ

فرهنگ سلسله ای از احساسات، افکار و اعمال صریحی می‌باشد که توسط بیشتر افراد جامعه به عنوان هنجار پذیرفته شده و رایج می‌شود (روح الامینی، ۱۳۹۴، صص ۱۳۵-۱۳۶). سبک و سیاق و رسم زندگی یک جامعه را در علم مردم شناسی به فرهنگ تعبیر کرده‌اند که تلاش‌ها و اندیشه‌های بشر در این زمینه، باعث ارتقای آن و رشد ملت‌ها شده است؛ بعضی پژوهشگران نیز این تعاریف را جزئی و پیش پا افتاده دانسته و تعریفی دیگر از این مقوله را ارائه می‌کنند: هر عملی که توسط انسان انجام می‌پذیرد و در نتیجه عمل او هر آنچه به وجود می‌آید، در زمره فرهنگ قرار می‌گیرد (بهنام و جهان بگلو، ۱۳۸۲، ص ۴۰). آنچه مسلم است فرهنگ در نتیجه تلاش‌های گروهی بشر به وجود آمده است (مهمی، ۱۳۷۹، ص ۵۰)، که اعضای جامعه نیز جزئی از آن به شمار رفته و حامل آن می‌باشند و بدین ترتیب از سایر افراد در جوامع دیگر مجزا در نظر گرفته می‌شوند.

بدین ترتیب می‌توان گفت فرهنگ عبارت است از عوامل معنوی و مادی که توسط انسان به دست آمده و به عنوان نتایج مشترک انسان‌ها در طول تاریخ در سایه تلاش‌های عملی و فکری در نظر گرفته شده و به انسان‌های بعدی و نسل‌های آینده به ارث می‌رسند. این مسأله‌ی انتقال به نسل‌های بعدی، فرهنگ را کامل تر کرده و این تکامل فرهنگ به آیندگان منتقل می‌گردد (جان احمدی، ۱۳۹۲، ص ۳۷). تأثیر فرهنگ جوامع بر رفتارهای اجتماعی اعضای آن غیرقابل انکار است. فرهنگ جامعه تعیین می‌کند که انسان‌ها به چه طرز رفتار نمایند و اگر از آن تخطی صورت گیرد، نوعی تابو محسوب می‌شود، در زمینه ازدواج کودکان نیز همین مطلب صادق است. وقتی در جامعه‌ای که ازدواج دختر از بدو تولد بسیار مهم تلقی می‌شود و به خاطر مسائلی مثل ناموس و عفت و ... منتظر بزرگ شدن دختر و شوهر دادن آن هستند، چگونه می‌توان این روند عرفی را نادیده گرفته و منتظر تکامل دختر و رشد او بمانند تا خود برای زندگی‌اش تصمیم بگیرد که ازدواج می‌کند یا خیر و یا چه کسی را می‌خواهد انتخاب نماید؟

در فرهنگ‌های غیر غربی و جوامع سنتی قدیمی، کودک را به یک مفهوم در نظر نمی‌گیرند بلکه معنی چند گانه‌ای برای کودک در نظر می‌گیرند، باید توجه داشت که کودک در جوامع مختلف به یک مفهوم یکسان در نظر گرفته نمی‌شود، همچنین با اینکه در هر جامعه‌ای بین کودک و افراد بزرگسال تفاوت قائل می‌شوند ولی این تفاوت بسته به اینکه چه فرهنگی در جامعه حاکم است، متفاوت بوده و سطح انتظارات جامعه از آنها مختلف می‌باشد (Montgomery, ۲۰۱۹).

از علل‌های ازدواج کودکان، نابرابری جنسیتی است، بدین معنا که با زنان و دختران به عنوان شهروندان درجه دوم رفتار می‌شود؛ حقوق انسانی آنها سلب می‌شود و به دلیل جنسیت‌شان برای آنها کمتر ارزش قائل می‌شوند، ازدواج کودکان یکی از نشانه‌های این فرهنگ و نابرابری جنسیتی است؛ در جوامعی که این دیدگاه‌ها حاکم‌اند، دختران بر اساس بکارت ارزش گذاری می‌شوند، این موضوع باعث محدودیت جنسیتی زنان می‌شود و در نتیجه مردان تعیین می‌کنند که زنان چگونه رفتار کنند؟ چگونه لباس بپوشند؟، کجا بروند؟، چه کسی را ببینند؟، و چه زمانی و با چه کسی ازدواج کنند؟ در چنین شرایطی والدین ازدواج زودهنگام را راهی برای محافظت از دختران و خانواده خود می‌بینند؛ در بسیاری از مذاهب و کشورها دخترانی که در خارج از ازدواج رابطه جنسی داشته باشند و باردار شوند، مجازات می‌شوند (American Jewish World Service, ۲۰۱۶, p۲-۴). بنابراین والدین از ترس چنین اتفاقاتی تن به ازدواج زود هنگام کودکان خود می‌دهند و این موضوع تنها یک نمونه از اثر فرهنگ بر سن ازدواج می‌باشد.

پذیرش ذهنی و فرهنگی ازدواج زودهنگام می‌تواند نقش اساسی در این زمینه بازی کند برای نمونه ممکن است دخترانی که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند، این موضوع را یک تکرار و عادت اجتماعی می‌بینند که مادران و خواهران یا پدران و برادران برای آنان رقم زده‌اند و رفته رفته این مسأله به فرهنگی درونی مبدل گردیده و بسیار متداول شده است؛ این موضوع تنها در مورد مسأله ازدواج نیست و در هر پدیده اجتماعی می‌تواند رخ دهد، همچنان که فقر علت اصلی و همچنین پیامد ازدواج زود هنگام کودکان در کشورهای سستی و فقیر نشین است؛ دوران کودکی بر مبنای این فقر و محرومیت از قلم افتاده و حذف می‌شود، شواهد فراوانی وجود دارد مبنی بر اینکه فقر یک عامل اجتماعی و اقتصادی است که بر زنان و مردان بسته به تفاوت در سطوح نابرابری، اثرات مختلفی می‌گذارد، آنچه به صورت عینی در جوامع مختلف مشهود است، این موضوع می‌باشد که در جوامعی که دختران دارای تحصیلات بالا، سیستم قوی استعدادیابی و دارای موقعیت‌های بالای اجتماعی باشند، ازدواج زودهنگام کمتر رخ می‌دهد، تا جایی که در آمریکا کمتر از ۴ درصد دختران زیر سن ۱۹ سال ازدواج می‌کنند. که در کانادا ۱ درصد و در انگلیس این آمار به ۲ درصد می‌رسد (Sweetman, ۲۰۰۳, p۶۹).

می‌دانیم که آداب و سنت‌ها بخش جدایی ناپذیر هر جامعه‌اند، از آنجا که کوتاه نمودن دوره تحصیلات ریشه در زیر بناهای اجتماعی و فرهنگی داشته و عمیقاً قالب و ساختار یافته، تغییر دانشان بسیار دشوار است؛ عمل ازدواج زود هنگام کودکان به عنوان یک سنت اجتماع و فرهنگ پذیرفته شده در مجموعه ارزش‌های سستی جوامع وجود داشته و به حیات خود ادامه می‌دهد. یک مجموعه رویکردهای فرهنگی و اجتماعی اقتصادی با محوریت ازدواج زود هنگام کودکان وجود دارد که در ورای اقشار و طبقات جامعه چیرگی پیدا کرده و وجودش تقویت می‌شود، وقتی دختران از بدو تولد به عنوان یک بار و مسئولیت به حساب بیایند، نگرش‌های سستی به سمت ازدواج زودهنگام دختران رفته

است و این امر باعث شده دختران شتاب زده در مسیر ازدواج قرار گیرند و گاه با بی میلی و نارضایتی به ازدواجی زود هنگام تن دهند. به نظر می‌رسد که کوتاه کردن دوره تحصیلات در مورد دخترانی که شوهر داده می‌شوند بخشی از توقعات سنتی اجتماعی باشد، یعنی یک دختر به محض داشتن شرایط ازدواج مناسب، از مدرسه ترک تحصیل می‌کند. لازم است اشاره کنیم که اگر بخواهیم از نظر اجتماعی - فرهنگی به این قضیه نگاه کنیم باید گفت که تعداد زیادی از دختران تربیت و پرورش می‌یابند تا به محض اینکه به سن بلوغ رسیدند ازدواج کنند و مابقی طول عمر خود را مشغول خانه داری و فرزندآوری باشند (G W Jones, ۱۹۹۷, p۵۷). ازدواج زود هنگام موجب ترک تحصیل خصوصاً برای دختران می‌شود، نفس فقدان یا کمبود تحصیلات می‌تواند منجر به ازدواج کودکان و عمدتاً کودکان دختر شود.

دلایل ترک تحصیل بیشتر در میان دختران می‌تواند در جوامع مختلف متفاوت باشد؛ اما عموماً هنجارهای اجتماعی، هزینه‌های تحصیل، نگرانی برای امنیت دختران و آبروی خانوادگی و کمبود فرصت‌های شغلی برای آنها از دلایل اصلی تحصیلات کمتر برای دختران هستند. خانواده‌ها خصوصاً در جوامع سنتی نقش دختر را همسری و مادری می‌دانند و برای ایفای این نقش احتیاج چندانی به آموزش و تحصیلات احساس نمی‌کنند (Belhorma, ۲۰۱۶, p ۲۷۳). هزینه‌های تحصیل نیز خصوصاً در خانواده‌های دارای سطح اقتصادی پایین و فرزندان زیاد موجب می‌شود تا خانواده‌ها تصمیم به اولویت بندی بگیرند. هرچه تحصیلات فرد بالاتر باشد احتمال ازدواج زود هنگام او کمتر خواهد شد. این رابطه با ادامه‌ی تحصیل تا پایان دوره‌ی دوم مدرسه یعنی دوره‌ی متوسطه آشکارتر می‌شود؛ چرا که با تکمیل دوره‌ی متوسطه کاهش شدیدی در ازدواج کودکان مشاهده می‌شود و فقدان تحصیلات منجر به افزایش ازدواج‌های زود هنگام می‌گردد (مددی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۰).

این موضوع به کمبود فرصت‌ها و نبود سرمایه گذاری بر روی دختران بر می‌گردد نه مسائل مربوط به کیفیت مدارس یا محیط محافظتی و حمایتی برای آنها؛ دختران در کشورهای در حال توسعه باید با موانع اجتماعی و فرهنگی متعددی برای دستیابی به امکانات تحصیلی دست و پنجه نرم کنند که یکی از نتایج منفی آن ازدواج زود هنگام می‌باشد (احمدی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹).

همچنین در بسیاری از فرهنگ‌ها و کشورها جوانان به اندازه کافی در مورد روابط جنسی و روش‌های جلوگیری از بارداری آموزش ندیده‌اند و همچنین این جوامع سقط جنین را ممنوع می‌دانند و مطابق قانونشان مسئولیت کیفی دارد؛ برای جلوگیری از مسئولیت قانونی و مجازات، جوانان موظف به ازدواج هستند، حتی اگر یکی از طرفین ازدواج بسیار کوچک باشد؛ خانواده‌ها ازدواج دخترشان در سن پایین را به معنای حفظ عفت و عزت و شرافت خود می‌دانند، این در حالی است که، زن و شوهری که در سن پایین ازدواج می‌کنند معمولاً خوشبخت نمی‌شوند و در بیشتر موارد ازدواج‌های زود هنگام برای طرفین نامناسب است، با این حال اثر منفی چنین ازدواج‌هایی بر دختران که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند بسیار بیشتر از پسران است (kate, ۲۰۱۹).

نتیجه گیری

ازدواج زودهنگام کودکان فقط در فرهنگ‌های خاص است که منطقی و عقلانی به نظر می‌رسد، با توجه به خسارات و آسیب‌هایی که ازدواج در سنین پایین بر اشخاص وارد می‌کند و بر هیچ کسی پوشیده نیست. جای تعجب است که دولت‌ها، سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران تاکنون در ریشه‌کن کردن ازدواج زودهنگام کودکان توفیقی نداشته‌اند و نسبت به این موضوع غافل بوده‌اند. البته شاید بتوان دلیل غفلت دولت‌ها را با مسائل جمعیت شناختی مرتبط دانست. بنابراین دولت‌ها توجهی به این پدیده نکرده و حتی می‌توان گفت خودشان از ادامه دهندگان آن به شمار می‌آیند. وضعیتی که در زنجیره نابرابری جنسیتی تحت تأثیر و توقعات اجتماعی، خشونت فرهنگی، کلیشه‌های جنسی، مسائل قومیتی و همچنان تداوم می‌یابد و تغییر این شرایط نیازمند سیاست‌گذاری‌های مناسب و پیدا کردن و یافتن راهکارها برای کاهش و ممنوعیت این قبیل ازدواج‌ها است.

بنظر می‌رسد هنگامی که فقر عامل تعیین کننده گرفتن تصمیمات اشتباه والدین برای کودکان است ازدواج زودهنگام دختران خردسال به عنوان راه حلی عملی جهت کاهش مایحتاج مالی خانواده قلمداد می‌شود. فقر می‌تواند مانند یک نیروی قدرتمند، والدین کودک را وادار کند تا با ازدواج زودهنگام پناهی برای دختران خود پیدا کنند. خانواده‌ها ازدواج در سنین پایین را هم برای خود و هم برای کودک خود بهتر و مفیدتر می‌دانند. احتیاجات دختران دیگر منابع ناچیز خانواده را خالی نگذاشته و یک فرصت برای زندگی بهتر را نصیب وی می‌کند. ازدواج زودهنگام کودکان تبدیل به یک راه فرار از فقر و خشونت‌های جنسیتی شده است. بنابراین والدین از کودک همسری به عنوان ابزاری برای تسکین فقر استفاده می‌کنند و در بعضی فرهنگ‌ها دریافت مبلغی پول در قبال ازدواج دختر بچه یک امر عادی و نرمال است. ولی باید توجه داشت که رسم ازدواج کودکان با خشونت و مشقت اقتصادی تشدید می‌شود. هنگامی که شرایط اضطراری انسانی جوامع را مختل کند، بافت و ساختارهای اجتماعی محافظ کودکان از بین خواهد رفت. والدین به ازدواج دادن بچه‌هایشان به عنوان مکانیسمی برای دست و پنجه نرم کردن با این بلایا متوسل می‌شوند تا درجاتی از امنیت و رفاه را برای دخترشان خصوصاً در زمانی که خطر خشونت جنسی افزایش می‌یابد، تضمین کنند. احساس کمبود امنیت محرک کودک همسری است. ازدواج زودهنگام محافظ و پاسخی به احساس ناامنی ناشی از جنگ و درگیری‌های داخلی می‌شود. چنانچه در نتایج تحقیقات دیده شد، در مکان‌هایی که درگیری‌های داخلی، جنگ یا کشمکش وجود داشت ازدواج کودکان دروازه‌ای به زندگی امن‌تر برای کودک در نظر

گرفته می‌شد. به همین جهت دولت‌ها باید تمرکز بیشتری در این زمینه کنند و با قانون گذاری مناسب از ازدواج کودکان جزء در موارد استثنائی خوداری کنند.

منابع

- ۱- احمدی، کامیل (۱۳۹۸)، طنین سکوت: پژوهشی جامع در باب ازدواج زودهنگام کودکان در ایران، چاپ دوم، تهران: نشر شیرازه
- ۲- افتخارزاده، سید زهرا (۱۳۹۴)، تجربه زیسته زنان در ازدواج زودهنگام، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، بهار، شماره ۳
- ۳- انواری، زهره (۱۳۸۸)، آداب و رسوم ازدواج در اقوام ترکمن و عرب خوزستان، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۱۶
- ۴- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، چاپ ششم، انتشارات سمت.
- ۵- آشوری، داریوش (۱۳۸۹)، دانشنامه سیاسی، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات مروارید
- ۶- بهنام، جمشید و جهان بگلو، رامین (۱۳۸۲)، تمدن و تجدد، تهران: نشر مرکز
- ۷- پژوهش انجام شده توسط سازمان ملل متحد، قابل دسترس در سایت این سازمان
<https://www.un.org/youthenvoy/2017/02/new-study-finds-child-marriage-rising-among-vulnerable-syrian-refugees>
- ۸- جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۲)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ شانزدهم، تهران: نشر معارف
- ۹- حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱
- ۱۰- حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۰
- ۱۱- حسینی پویا، سیدمحسن (۱۳۹۷)، کودک همسری، فصلنامه وکیل مدافع، کانون وکلای دادگستری خراسان، دوره ۸، شماره ۱۷، شماره پیاپی ۱۷، پاییز
- ۱۲- روح الامینی، محمود (۱۳۹۴)، زمینه فرهنگ شناسی: تالیفی در انسان شناسی فرهنگی و مردم شناسی: با تجدید نظر و اضافات
- ۱۳- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۴۱۳ق)، المقنعه، قم: دفترانتشارات اسلامی
- ۱۴- شیخ الطائفه، تهذیب الأحکام، ج ۱۰
- ۱۵- عباسی، محمد باقر، امیدوار شلمانی، صدیقه، صفا کیش، محدثه (۱۳۹۹)، سالنامه آمارهای جمعیتی سال ۱۳۹۸، تهران، سازمان ثبت احوال کشور
- ۱۶- گیدنز، آنتونی، ترجمه صبوری، منوچهر (۱۳۹۸)، جامعه شناسی، تهران، نشر نی
- ۱۷- مددی، هدی (۱۳۹۸)، ازدواج کودکان؛ مطالعه ای تطبیقی، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه شناسان
- ۱۸- مرتضی شریف، سیدعلی بن حسین (۱۴۱۵ق)، الانتصار فی انفرادات الامامیه، قم: دفترانتشارات اسلامی

- ۱۹-مقدادی، محمد مهدی و جوادپور، مریم ، «تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و ساز و کارهای مقابله با آن»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال یازدهم، شماره ۴۰، بهار ۱۳۹۶
- ۲۰-مهیمنی، محمدعلی (۱۳۷۹)، گفتگوی فرهنگ ها و تمدن ها، تهران: نشر ثالث
- ۲۱-نوبهار، رحیم ، مبانی فقهی ممنوعیت تزویج کودکان، روزنامه همدلی ، شماره ۶، دی ماه ۱۳۹۵
- ۲۲-و. ایی ساوانا، ترجمه مصطفی گرو، حسین ۱۳۸۰، نام اقوام در جغرافیای ایران، نامه فرهنگستان، سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۸)
- ۲۳-هیول، مک دونالد ۱۳۸۸، بررسی علل افزایش سن ازدواج، ویژه نامه علمی استناداری مازندران
- ۲۴- American Jewish World Service (AJWS) and al., Child, Early and Force Marriage and the Control of Sexuality and Reproduction ۲۰۱۶ p۲-۴
- ۲۵- Belhorma, Souad (۲۰۱۶), Two months of marriage were sufficient to turn my life upside down: early marriage as a form of gender-based violence, Gender & Development.
- ۲۶- Child Marriage Atlas, which is updated every two years, and the next update will be in ۲۰۱۹ <https://b۲n.ir/p۹۸۹۱۴>
- ۲۷- G W Jones ۱۹۹۷, Population dynamics and their impact on adolescents in the ESCAP region
- ۲۸- Hodgkinson, Katie(۲۰۱۶), Understanding and addressing child marriage A scoping study of available academic and programmatic literature for the HER CHOICE Alliance, the Amsterdam Institute for Social Science Research of the University of Amsterdam
- ۲۹- Inter-parliamentary Union (IPU)
- ۳۰- kate Golub (۲۰۱۹) , Causes and effects of early marriage , available at: <https://www.legit.ng/۱۲۱۲۳۱۸-causes-effects-early-marriage.html>
- ۳۱- Montgomery Heather,(۲۰۱۹) Different cultures, different childhoods ,Available at: <https://www.open.edu/openlearn/history-the-arts/history/different-cultures-different-childhoods>
- ۳۲- Quentin , Wodon (۲۰۱۷) Child marriage and education: impacts, costs, and benefits available at: <https://www.globalpartnership.org/blog/child-marriage-and-education-impacts-costs-and-benefits>
- ۳۳- Sweetman garolin , Gender development and marriage, ۲۰۰۳
- ۳۴- Unicef, Child marriage (۲۰۱۹) ,available at : <https://www.unicef.org/protection/child-marriage>